

ایجاد کشوری بنام «اسرائیل»

در خاور میانه

بنی اسرائیل

اسرائیل واژه عبری به معنی بنده خدا و نیز لقب یعقوب است. از این رو به فرزندان و نواده گان او «بنی اسرائیل» گفته می‌شود. بنا بر داستان‌ها با رفتن یوسف به مصر و سپس رفتن یعقوب و دیگر فرزندان به آنجا و فراوان شدن تعداد نواده گان او، بنی اسرائیل به صورت خاندان پر جمعیت در مصر درآمد. این جمعیت که فرزندان و نواده گان دوازده پسر یعقوب بودند، به دوازده گروه یا دوازده سبط بنی اسرائیل شناخته می‌شدند.

بنی اسرائیل سالیان دراز زیر شکنجه فرعون بودند تا این که موسی آنان را از فرعون رهانید و از سرزمین مصر بیرون برد؛ ولی بنی اسرائیل در غیاب موسی به پرستش گوساله سامری روی آوردند و بنا بر داستان‌ها مورد خشم خداوند قرار گرفتند؛ و مدت چهل سال در بیابان سینا سرگردان ماندند.

یهودیت

یهودیت یکی از سه دین ابراهیمی است که پیروان آن عموماً فرزندان قوم بنی اسرائیل هستند. این دین نخستین دین ابراهیمی به شمار می‌رود. پیامبر یهودیان موسی نام دارد و کتابی که به وی منسوب می‌کنند «تورات» نام دارد.

«یهود» واژه‌ای عربی است که وارد فارسی شده و پارسی این واژه «جهود» است. در قدیم واژه یهود برای افرادی که از قبیله «یهودا» بودند استفاده می‌شد، اما پس از از بین رفتن باقی قبایل بنی اسرائیل، کم کم برای اطلاق به دین این افراد به کار گرفته شد.

میگویند: پیدایش این دین با آمدن دستور خدایی بر موسی در کوه حوریب آغاز شد، و به نامهای چون: دین عبری، دین بنی اسرائیل، دین کلیمی و دین یهودی آشنا است.

تورات

واژه است کهن در زبان عبری و معنای آن فرمان است. تورات کتاب یهودیان است که تاریخ و شریعت و عقاید ایشان را در برمی گیرد. مسیحیان به آنچه که در تورات آمده ایمان آوردند.

سرزمین اسرائیل

کشوری است واقع در غرب قاره آسیا در خاورمیانه و در حاشیه دریای مدیترانه.



کشور اسرائیل در شمال با لبنان، در شرق با سوریه و اردن و در جنوب غربی با کشور مصر دارای سرحد مشترک است. اسرائیل در سال «۱۹۴۸» اعلام استقلال کرد. با بیش از هفت میلیون شهروند که اکثر آنان را یهودیان تشکیل می دهند. اسرائیل رسماً شهر اورشلیم را پایتخت خود می نامد و هیئت دولت و کنیست (پارلمان) اسرائیل در آن قرار دارد. کشور اسرائیل تنها لیبرال دمکراسی در منطقه خاورمیانه است. اسرائیل همچنین دارای بیشترین آزادیها از لحاظ آزادیهای اجتماعی و سیاسی، آزادی مطبوعات، آزادیهای اقتصادی، قوانین باز تجاری و شاخص توسعه انسانی در کل منطقه خاورمیانه است.

قبل از تشکیل دولت اسرائیل

اغلب سرزمینی را که امروزه به آن کشور اسرائیل می‌گویند زادگاه دین یهود در سده دهم پیش از میلاد (و یا حتی قبل از آن) دانسته‌اند؛ هرچند که برخی پژوهشگران با این نظر موافق نیستند. نام قوم یهود (بنی اسرائیل) نیز از نام این سرزمین گرفته شده و به معنی فرزندان اسرائیل است.

شکل‌گیری صهیونیسم تا تشکیل دولت اسرائیل

اولین موج مهاجرت به اسرائیل (Aliyah) از سال « ۱۸۸۱ » با مهاجرت اشکنازیها در نتیجه یهودی ستیزی آغاز گشت و با ایده‌های ناسیونالیستی صهیونیسم بر مبنای عقاید موزس هس (Moses Hess) با عنوان «باز خرید وطن» ادامه پیدا کرد. یهودیان زمین‌های زیادی را از عثمانی و مالکان عرب خریداری کردند. پس از آنکه یهودیان مراکز و آبادی‌های کشاورزی در این سرزمین ایجاد کردند، منازعات بین اعراب و یهودیان آغاز گشت. تئودر هرتزل «۱۸۶۰-۱۹۰۴» یک یهودی اطریشی، جنبش صهیونیسم را پی نهاد. در سال «۱۸۹۶» او کتابی موسوم به سرزمین اسرائیل (Der Judenstaat) منتشر کرد و در آن نظریه تشکیل یک کشور یهودی را مطرح کرد. با تلاش وی کنگره جهانی صهیونیسم تشکیل شد. ایجاد جنبش صهیونیسم موجب موج دوم مهاجرت به خاور میانه شد «۱۹۰۴ - ۱۹۱۴» و بیش از «۴۰۰۰۰» یهودی به آن سرزمین مهاجرت کردند. در سال «۱۹۱۷» وزیر خارجه انگلستان آرتور جی بالفور اعلامیه مشهوری را منتشر کرد که از در نظر گرفتن فلسطین به عنوان سرزمینی برای یهودی‌ها پشتیبانی شده بود. در «۱۹۲۰» فلسطین بعنوان عضوی از جامعه ملل تحت قیمومیت بریتانیا پذیرفته شد. مهاجرت یهودیان در موج سوم «۱۹۱۹ - ۱۹۲۳» و چهارم «۱۹۲۴ - ۱۹۲۹» پس از جنگ اول جهانی ادامه یافت. در شورش اعراب در «۱۹۲۹» در فلسطین، ۱۳۳ یهودی و از جمله ۶۷ نفر در هبرون کشته شدند. گسترش نازیسم در «۱۹۳۳» آغازگر موج پنجم مهاجرت بود. نسبت یهودیان از ۱۱٪ در «۱۹۲۲» به ۳۰٪ در «۱۹۴۰» افزایش یافت. پیش از این ۲۸ درصد از اراضی سرزمین فلسطین توسط یهودیان و یا سازمان‌های صهیونیست خریداری شده بود. و این در حالی بود که نیمی جنوبی این

ناحیه را سرزمین‌های خشک و اغلب فاقد جمعیت صحرای نجو (Negev) تشکیل می‌داد. متعاقب هولوکاست و گسترش یهودی‌ستیزی در اروپا، موج گسترده‌ای از مهاجرت به این سرزمین بوقوع پیوست و در پایان جنگ دوم جهانی، جمعیت یهودیان در فلسطین بیش از «۶۰۰۰۰۰» نفر بود. در سال «۱۹۳۹»، بریتانیا «نامه سفید» (گزارش دولت) سال «۱۹۳۹» خود را منتشر نمود و در آن مهاجرت یهودیان و خرید زمین توسط آن‌ها را محدود نمود که شاید علت آن شورش‌های اعراب در فاصله سالهای «۱۹۳۶ - ۱۹۳۹» بوده است. از دیدگاه انجمن‌های یهودی و صهیونیست‌ها، این «نامه سفید» خیانت به اعلامیه «۱۹۱۷» بالفور بود. ضمن آنکه اعراب نیز از این تصمیم راضی نبودند و خواهان توقف کامل مهاجرت یهودیان به این سرزمین بودند. اما این «نامه سفید» خط دهنده سیاست انگلستان تا انتهای دوران قیمومیت بر آن سرزمین بود. در نتیجه از مهاجرت بسیاری از یهودیان که از آزار نازی‌های آلمان به فلسطین فرار می‌کردند، ممانعت به عمل آمد و آنان مجبور به بازگشت به اروپا شدند. دو نمونه از درگیرهای ناشی از این سیاست غرق شدن کشتی‌های استروما (Struma) و اکسُدوس (Exodus) توسط نیروی دریایی انگلستان بود که باعث کشته شدن به ترتیب «۷۶۲ و ۴۵۵۴» مهاجر یهودی در دهه چهل میلادی گشت.

در سال «۱۹۴۷» نیروهای انگلیس نا امید از برقراری توازن میان اعراب و یهودیان خود را از مناسبات کنار کشیدند. برحسب طرح تقسیم ارائه شده توسط سازمان ملل قرار بر این بود که این منطقه بین اعراب و یهودیان بطور مساوی تقسیم گردد و بیت المقدس (اورشلیم) نیز محدوده تحت نظارت سازمان ملل قرار گیرد، تا از ایجاد برخورد جلوگیری شود. اما یهودی‌ها به طرح قانع نبودند و مناطق دیگری را نیز به اشغال درآورده و ضمیمه خاک خود کردند. اعراب نیز با تشکیل حاکمیتی یهودی به هر نحو مخالف بودند و مخالفت خود را اعلام کردند.

نقش گروه‌های زیر زمینی یهودیان

همچنان که تنش بین یهودیان و اعراب افزایش می‌یافت، اجتماع یهودیان شروع به دفاع از خود کرد که شواهدی در زمینه حمایت «قیمومیت انگستان» در این زمینه موجود است. ناسیونالیست‌های عرب در مخالفت با اعلامیه بالفور، قیمومیت

انگلستان و تشکیل سرزمین یهودی ، سر به آشوب برداشتند و قتل عامیایی را بر علیه یهودیان اورشلیم، هبرون و حیفا به اجرا گذاشتند. در نتیجه حملات سال «۱۹۲۱» اعراب، نیروی نظامی «هاگانا» شکل گرفت و مسئول حراست از جرگه یهودیان گشت. ماهیت «هاگانا» بیشتر دفاعی بود ، و بعد ها به دلایلی عده از اعضای آن جدا شدند و تشکیل گروه نظامی اصول گرا «ایرگون» را در «۱۹۳۱» دادند. این گروه مسیر فعال تری را انتخاب کرد و در اولین حملات خود به نیروهای انگلیسی حمله کرد که از جمله این حملات می توان به عملیات تروریستی بمب گذاری در هتل کینگ داوید (King David) اشاره کرد که موجب مرگ ۹۱ نفر شد. اگرچه «هاگانا» بیشتر طرفدار مقاومت بود. بعدها انشعاب دیگری در «ایرگون» روی داد که در آن آوراها ام استرن (Avraham Stern) از این گروه جدا شد و رو به کارهای بنیادگرایانه تر آورد. حتی این گروه تا جایی پیش رفت که در مقطعی همکاری هایی را با نازی ها بر علیه انگلستان انجام داد. این گروه ها نقش مهمی در رویدادهایی که به جنگ اعراب و اسرائیل در «۱۹۴۸» انجامید داشتند که از جمله آنها می توان به سازماندهی پنهانی انتقال یهودیان از اروپا به اسرائیل (Aliyah Bet) ، شکل گیری نیروهای موسوم به نیروهای دفاعی اسرائیل ، کناره گیری انگلستان از قیمومیت منطقه و تشکیل احزاب سیاسی (که تا به امروز نیز وجود دارند) نام برد.

بعد از تشکیل دولت اسرائیل

در « ۱۴ می ۱۹۴۸» ، چند ساعت پیش از پایان حاکمیت انگلیس بر فلسطین، تشکیل کشور اسرائیل اعلام شد. در سال «۱۹۴۸» ایران تنها کشور در خاورمیانه بود که این کشور را به رسمیت شناخت. همچنین در طی سالهای «۱۹۴۸ - ۱۹۷۹» ایران کمک بسیار زیادی به مهاجرت یهودیان اروپای شرقی به فلسطین می کرد، که این امر ناخشنودی دولت های خاورمیانه را برانگیخت.

در سال «۱۹۴۸ م» با اشغال قسمت اعظمی از فلسطین در محل باستانی کشور پادشاهی مکابیز، دولت اسرائیل در آسیای غربی در مشرق مدیترانه تشکیل گردید. مساحت آن «۲۱۰۰۰» کیلومتر مربع و جمعیت آن «۳۶۹۰۰۰۰» تن است. پایتخت آن شهر (تل آویب) و شهرهای عمده آن اورشلیم و حیفا (بندر مهم) است. قرار بود که

پایتخت این کشور به اورشلیم منتقل شود و سفارتخانه‌های خارجی نیز به آنجا برود، اما تا کنون فقط ایالات متحده امریکا این تصمیم را به رسمیت شناخته است و مرکز نماینده گی اصلی خود را به اورشلیم منتقل کرده است و عملاً هنوز تل آبیب پایتخت است. هرچند در منابع رسمی دولت اسرائیل، اورشلیم به عنوان پایتخت معرفی می‌شود و تل آبیب تنها یک شهر مهم به شمار می‌آید.

در پی تشکیل کشور اسرائیل در سال « ۱۹۴۸ » ، سازمان آزادیبخش فلسطین که در آنزمان تنها سازمان نظامی- سیاسی فلسطینی بود و شرق اورشلیم، کرانه باختری رود اردن و نوار غزه را در اختیار داشت، طی منشوری که در سال «۱۹۶۴» منتشر کرد، خواهان بیرون راندن «صهیونیستها» (اسرائیلیها) از «سرزمینهای عربی» تنها با نیروی قهر و با کمک برادران عرب خود شده بود. همچنین برخوردهای مرزی کشور تازه تاسیس اسرائیل با همسایگان عرب خود از جمله در قضیه بحران کانال سوئز، قضیه بحران ملی آب در اسرائیل، حادثه سامو و اختلاف اسرائیل با اردن و همچنین قضیه مالکیت بلندیهای جولان توسط سوریه، لبنان و اسرائیل همگی دست به دست هم داد تا پیش زمینه جنگی میان این کشورها فراهم شود.

پیامد اعلام استقلال

شماره ۱۶ در ماه می «۱۹۴۸» روزنامه فلسطین پست که بعدها به اورشلیم پست تغییر نام داد. در تیترا اصلی نوشته شده: «کشور اسرائیل متولد شد» در پی اعلام استقلال اسراییل خشونت بین اعراب و یهودیان بالا گرفت. به زودی ارتش‌های مصر، سوریه، اردن، عراق، و لبنان وارد شدند و مرحله دوم جنگ استقلال اسراییل آغاز شد. پس از اولین آتش بس در جون «۱۹۴۸» گروهک های مسلح یهودی در نیروهای دفاعی اسرائیل ادغام شدند. پس از ادامه درگیری ها و تا سال «۱۹۴۹» اسرائیل به تدریج نیروهای عرب را عقب راند. پس از عقد آتش بس‌های جداگانه با نیروی های درگیر اسرائیل موفق به اشغال ۲۶٪ بیشتر از اراضی قلمرو فلسطینی شد. باقی اراضی را اردن (کرانه باختری) و مصر (نوار غزه) اشغال کردند.

نخستین کشوری که پس از اعلام استقلال اسرائیل این کشور را به رسمیت شناخت، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود و ایالات متحده آمریکا تنها پس از شوروی اعلام شناسائی کرد. در جریان جنگ استقلال اسرائیل و در حالی که ارتش های هفت کشور عربی به اسرائیل حمله برده بودند تا این کشور را نابود کنند، تنها کشوری که حاضر شد به اسرائیل اسلحه بفروشد دولت سوسیالیستی چکوسلواکی بود. ایالات متحده آمریکا در دهه اول استقلال اسرائیل روابط سردی با این کشور داشت و ارسال اسلحه به اسرائیل را ممنوع ساخته بود و از این رو اسرائیل با دولت فرانسه پیمان دوستی بست و بیشترین بخش از سلاحها و وسائل نظامی مورد نیاز ارتش اسرائیل از کشور فرانسه خریداری میشد.

شمار زیادی از اعراب محلی در جریان درگیریها آواره شدند. بسیاری از آنان هنگام پیشروی نیروهای اسرائیلی قهراً اخراج شدند و تا به امروز هم بر علاوه نظر جامعه بین‌المللی و قطعنامه های مکرر سازمان ملل اجازه بازگشت پیدا نکرده اند. شمار پایانی آوارگان «۷۱۱'۰۰۰» نفر تخمین زده می‌شود. از طرفی جمعیت یهودی کشورهای عربی زیر نگاه شکاک دولت و باقی مردم این کشورها قرار گرفت. در سال‌های بعد «۶۰۰'۰۰۰» یهودی کشورهای عربی را به قصد اسرائیل ترک کردند.

نظام سیاسی

کنیست (مجلس نماینده گان) در اورشلیم در اسرائیل احزاب بازیگران اصلی در صحنه سیاسی هستند، این احزاب اند که تعیین کننده نوع زندگی، جهت گیری‌های سیاسی و اجتماعی در اسرائیل هستند.

احزاب اصلی اسرائیل سال‌ها پیش از تاسیس دولت به وجود آمده اند، بارها دچار ائتلاف و انشعاب شده اند که این ائتلاف و انشعاب‌ها تا کنون نیز ادامه دارد.

در اسرائیل هر حزبی که موجودیت دولت یهود را به رسمیت بشناسد حق فعالیت سیاسی دارد و هر حزبی که بیش از نیمی از کنست را در دست گیرد می‌تواند کابینه را تشکیل دهد و در غیر این صورت با ائتلاف با احزاب دیگر کابینه تشکیل می‌شود، نخست وزیر با رای مستقیم مردم تعیین می‌شود و ریاست جمهوری که

پستی کاملاً تشریفاتی است از سوی کنست و برای مدت «۵» سال انتخاب می‌گردد.

احزاب

حزب کارگر: در سال «۱۹۳۰» حزب مایای با ادغام دو حزب قدیمی کارگری تشکیل شد و در همان دهه به حزب مسلط در عرصه سیاسی این کشور بدل شد و در سال «۱۹۶۵» مایای با ائتلاف با حزب رافی حزب کارگر را تشکیل داد، حزب «مایای» و بعدها کارگر از سال «۱۹۴۸» تا «۱۹۷۷» به صورت ممتد حزب حاکم اسرائیل بود و افراد سرشناسی چون بن گوریون، شیمون پرز، اسحاق رابین و... از اعضای این حزب بودند.

تعلقات ناسیونالیستی در حزب کارگر شدید نیست، این حزب طرفدار جدایی دین از سیاست و حزبی سکولار است.

حزب لیکود: یکی از احزاب ناسیونالیست افراط گرای اسرائیل است، در گذشته با نام هروت (آزادی) فعالیت می‌کرده و در سال‌های «۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰» در روسیه ایجاد گردیده.

در ابتدا طرفدار تشکیل دولت در دو سوی رود اردن بود و اندک اندک نظریاتش تعدیل یافت و امروزه از تشکیل دولت فلسطینی فقط در «۵۰» درصد کرانه باختری حمایت می‌کند.

حزب مفدال: در سال «۱۹۵۵» و از ائتلاف دو حزب میزراهی و اتحادیه کارگران مذهبی حزب مفدال با گرایش ملی- مذهبی ایجاد شد، مفدال دارای گرایشات مذهبی و ناسیونالیستی است، این حزب در اکثر دولت‌های ائتلافی اسرائیل حضور داشته و به عنوان یک حزب سیاسی شریک دولت شناخته می‌شود.

حزب آگودات اسرائیل: حزب آگودات (اتحاد) نام تشکیلاتی از خاخامیای ارتدکس آلمانی است که در «۱۹۱۲» درپولند و لیتوانی با هدف مخالفت با مرام صهیونیسم

شکل گرفت و ضمن مردود دانستن تلاش برای تاسیس دولت یهود در فلسطین این اقدام را نوعی بدعت‌گزاری در دین یهود اعلام کرد.

آگودات اسرائیل تعلقات ناسیونالیستی خاصی ندارد ولی به شدت خواستار رعایت احکام مذهبی یهود است.

حزب شاس: این حزب در «۱۹۸۴» توسط یک خاخام سیاسی به نام (آریه دری) تاسیس شد و یکی دیگر از احزاب مذهبی اسرائیل است، تعلقات ناسیونالیستی خاصی ندارد و بیشتر در پی اجرای قوانین دین یهود در جامعه و گرفتن امتیاز برای مدارس دینی و طلاب است..

حزب مرتز: از اتحاد ۳ حزب کوچکتر به نامهای (راز، مایام و شینووی) به وجود آمد. مرتز طرفدار سرسخت آزادی مذهبی است و بر تکثرگرایی در جامعه اسرائیل تاکید دارد و از این رو در جامعه اسرائیل قطب مخالف شاس محسوب می‌شود.

احزاب عرب: در اسرائیل «۳» حزب عرب نیز فعالیت می‌کنند که متناسب با جمعیت هوادار خود، نماینده‌گانی به کنست می‌فرستند.

سیاست خارجی

در حال حاضر بیش از صد و شصت کشور جهان، اسرائیل را به رسمیت می‌شناسند و با این کشور روابط کامل دیپلماتیک دارند. اسرائیل عضو رسمی سازمان ملل متحد است.

ایران در دوران سلطنت محمد رضا شاه پهلوی اولین کشوری مسلمان بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت. اما دوستی و روابط دوستانه ایران و اسرائیل پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تغییر کرد. هم‌اکنون ایران به همراه بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی (به جز مصر، اردن و مراکش) این کشور را به رسمیت نمی‌شناسند و در رسانه‌های عمومی از این کشور با عنوان «سرزمین‌های اشغالی» یا «فلسطین اشغالی» یاد می‌کنند.

بودجه سالیانه اسرائیل امروز از «۶۶» میلیارد دالر فراتر میرود. از سال «۱۹۸۵»، امریکا سالانه در حدود «۳» میلیارد دالر به اسرائیل کمک کرده است. از سال «۱۹۷۶»، اسرائیل بیشترین مقدار کمک‌های خارجی سالانه امریکا را دریافت کرده است. به علاوه پس از جنگ جهانی دوم امریکا در مجموع بیشترین کمک‌های مالی را به اسرائیل ارائه داده است. کمک‌های مالی امریکا قرار است از سال «۲۰۰۸» به تدریج افزایش یابد و حداکثر به «۳/۱» میلیارد دالر در سال برسد، با این همه کمک «۳/۱» میلیاردی امریکا، بخش کوچکی از بودجه سالیانه «۶۶» میلیارد دالری اسرائیل را تشکیل می‌دهد.

منتقدان اسرائیل ادعا میکنند که این کمک‌ها از ابتدای آغاز آن (۱۹۴۹) تا به حال، به «۱۰۸» میلیارد دالر بالغ شده است که این پک (کمیته روابط عمومی امریکایی اسرائیلی) نقش مهمی در جمع آوری این کمک‌ها داشته است.

اما از سوی دیگر مدافعان اسرائیل از جمله کمیته روابط عمومی امریکایی اسرائیلی مدعی هستند که ارقامی همچون کمک «۱۰۸» میلیارد دالر کمک از آغاز تشکیل اسرائیل تاکنون، آماری نیست که موجب سازنده گی و آبادانی و حاصل پیشرفتهای گسترده یک کشور درگیر جنگ در زمینه‌های مختلف بوده باشد، بلکه تلاش خود ملت و ابتکار و میهن پرستی و سخت کوشی مردمان آن عامل دستاوردهای گسترده علمی، صنعتی، کشاورزی، صحتی، طبی، هنری و ادبی آن بوده است.

گفتنی است که امروزه اسرائیل به نسبت جمعیت خود دارای صادرات قابل توجهی است و تکنولوژی و محصولات هوشمند خود را حتی به کشورهای ایالات متحده امریکا و کشورهای بزرگی چون هند و چین صادر می‌کند.

آزادی‌های اجتماعی و رسانه

کشور اسرائیل از لحاظ آزادی‌های اجتماعی و روند دمکراسی پیشروترین کشور در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود.

تمامی جراید اسرائیلی مستقل هستند. سازمان گزارشگران بدون مرز، که یک سازمان بین‌المللی دفاع از مطبوعات است، در گزارشی که در سال «۲۰۰۵» منتشر

کرد، رسانه‌های اسرائیلی را «مقتدر و مستقل» خواند اما افزود ارتش اسرائیل به کرات مانع فعالیت روزنامه نگاران فلسطینی و خارجی شده‌است.

قابل ذکر است متن تمام روزنامه‌های فلسطینی قبل از چاپ باید توسط مقامات اسرائیلی مورد بازبینی قرار گیرد.

نفوس

بنا بر آمار گرفته شده در پایان سال «۲۰۰۳»، از «۶/۷» میلیون اسرائیلی ۸۰/۸٪ یهودی و «۱۹/۲» عرب هستند. از میان یهودیان نیز ۶۳٪ در اسرائیل به دنیا آمده‌اند و ۲۷٪ از اروپا و قاره آمریکا و ۱۰٪ از آسیا و افریقا (که شامل کشورهای عربی نیز می‌شود) به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند.

در آمارهای رسمی در دهه «۵۰» میلادی نسبت جمعیت یهودیان به غیر یهودیان در کشور اسرائیل درست برعکس یعنی ۸۰٪ عرب و ۲۰٪ یهودی بوده است ولی در اثر سیاست اخراج اجباری اعراب از سرزمین مادری شان و وضع قانون ممانعت از بازگشت این آوارگان و از سوی دیگر پذیرفتن فقط یهودیان به عنوان مهاجر به اسرائیل، امروز این آمار تغییر کرده است.

عبری زبان رسمی و اصلی کشور اسرائیل است. زبان رسمی دوم عربی است که توسط اقلیت عرب بدان تکلم می‌شود. دیگر زبان‌های رایج دیگر در اسرائیل عبارت اند از: انگلیسی، روسی، ییدی (زبان عبری رایج میان یهودیان روسیه، پولند و آلمان که مخلوطی از آلمانی و عبری است) و همچنین زبان رومانیایی.

قوت نظامی

نیروهای مسلح اسرائیل (که اسم مخفف آن در عبری Tzahal) به معنی نیروهای دفاع اسرائیل است متشکل از سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی است.

توانایی هسته

تصویری از مقاله جنجالی روزنامه انگلیسی ساندی تایمز (Sunday Tims) که در آن مقاله یکی از تکنسینهای اسرائیلی به نام (موردخای وانونو) با دادن اطلاعات و عکسهایی از نیروگاه اتمی دیمونا قابلیت‌های اتمی اسرائیل را تا حدودی افشا کرد قدرت هسته اسرائیل بر سه اصل خدشه ناپذیر بنا شده است: ابهام در این مسئله به عنوان استراتژی اصلی، سانسور آن به عنوان امری غیر قابل اجتناب و تابو بودن آن به مثابه رفتار اجتماعی مردم اسرائیل، این سه اصل نه تنها موجب پیچیده گی و تقویت در پنهان کاری شده بلکه هر بحثی در ملامت را منتفی می‌دارد.

از میان کشورهای جهان که دارای سلاح هسته هستند اسرائیل بیشترین عدم صراحت و پنهان کاری را به خرج می‌دهد، تل‌آبیب حتی به مسائل افشا شده توسط (موردخای وانونو) اعتراف نکرد، برخی از محققان (نظیر آونر کهن) در نتیجه‌گیری از این رفتار دولت اسرائیل این ابهام و پنهان کاری را به سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک نیز گسترش می‌دهند.

اورشلیم

اورشلیم در ۳۵ درجه و ۱۳ دقیقه طول شرقی و ۳۱ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. این شهر بر روی کوههای یهودا، که منقسم آب بین دره اردن در شرق و دریای مدیترانه در غرب است، بر روی دو تپه صخره به ارتفاع ۷۵۰ متر از سطح دریا در میانه کوههای بیت ایل (یا بیت ئیل) در شمال و حبرون یا الخلیل در جنوب، در فلات قدس و الخلیل واقع شده است. در جانب مغرب شهر دامنه کوههای یهودا گسترده است و در جانب مشرق دشت یهودا که تا بحر المیت ادامه دارد. فاصله این شهر از کناره غربی کوههای یهودا ۱۵ تا ۱۶ کیلومتر و از کناره شرقی آن تنها ۲ کیلومتر است. بلندی ارتفاعات شمالی و جنوبی شهر به ۱۰۰۰ متر می‌رسد. چون بلندی شهر در میانه این دو ارتفاع کمتر از این است، شکل توپوگرافیک این شهر به چیزی شبیه زین اسب بدل شده است. این وضعیت با شکل و شناخت کوههای یهودا، که همچون صخره یکپارچه و بدون دره است آن را به دژی تبدیل کرده که بر ناحیه وسیعی در پیرامون خود اشراف دارد. فاصله این شهر از ساحل

مدیترانه ۵۲ کیلومتر، و از بحر المیت ۲۲ کیلومتر، و ارتفاع آن از سطح بحر المیت (که سطح آن از دریا‌های آزاد پائین تر است) حدود ۱۱۵۰ متر است. بیت المقدس از عمان ۸۸ کیلومتر، از دمشق ۲۹۰ کیلومتر، از بیروت ۳۸۸ کیلومتر، و از قاهره ۵۲۸ کیلومتر فاصله دارد. این شهر در ملتقای راه‌های واصل بین شمال به جنوب و شرق به غرب در منطقه واقع شده، و علاوه بر آن که از طریق راه‌های زمینی به شهرهای الخلیل، بیت لحم، رام الله و نابلس می‌پیوندد، از طریق خط آهن نیز با تل آیب و یافا در ساحل مدیترانه مربوط است. فرودگاه قلندیه در بخش شمالی نیز ارتباط این شهر را با جهان خارج برقرار می‌کند.

مسجد الاقصی

مسجد الاقصی نام مسجدی است، که در بخش شرقی شهر بیت المقدس (اورشلیم) قرار دارد.

مسلمانان نخست به سمت این مسجد نماز می‌خواندند.



مسجد الاقصی

مسجد الاقصی حدود ۱۴ کیلومتر تا رام الله مرکز اداره موقت فلسطین فاصله دارد. دولت اسرائیل و یهودیان ساکن بیت المقدس (اورشلیم) اعتقاد دارند که در زیر مسجد الاقصی معبد هیکل سلیمان وجود دارد. و یکی از آرزوهای آنان تخریب مسجد الاقصی و احیای آن معبد است. از جمله تلاش مایکل دینس روهن در ۲۳ اگست «۱۹۶۹» که در این آتش سوزی در قسمت جنوب شرقی در حدود دوصد متر مربع از سقف مسجد کاملاً منهدم گردید و گنبد مسجد در پنج نقطه سوخت. همچنین یکی از آثار متبرک مسجد و یک منبر مخصوص که هشتصد سال سابقه داشت نیز کاملاً از بین رفت.

تاریخ به آتش کشیده شدن مسجدالاقصی : ۲۱ اگست «۱۹۶۹»

خاور میانه

خاورمیانه منطقه‌ای است که سرزمینهای میان دریای مدیترانه و خلیج فارس را شامل می‌شود. خاورمیانه بخشی از افریقا - آسیا و در بعضی موارد جزو افریقای شمالی شمرده می‌شود. این ناحیه گروه‌های فرهنگی و نژادی گوناگونی از قبیل فرهنگهای ایرانی، عربی، بربرها، ترکی، کردی، اسرائیلی و آسوری را در خود جای داده است. زبان‌های اصلی این منطقه عبارت است از فارسی، عربی، ترکی، کردی، عبری و آسوری.

بسیاری از تعریفهای «خاورمیانه» - چه در کتابهای مرجع و چه در اصطلاح عامیانه - آن را ناحیه‌ای در جنوب غربی آسیا و دربرگیرنده کشورهای بین ایران و مصر معرفی می‌کنند. با اینکه بخش بیشتر کشور مصر (به جز صحرای سینا) در افریقای شمالی واقع شده ولی آن را جزو «خاور میانه» می‌دانند. کشورهای شمال افریقا از قبیل لیبی، تونس و مراکش بر خلاف خاورمیانه، در رسانه‌های عمومی کشورهای افریقای شمالی خوانده می‌شوند.

خاورمیانه از نخستین خاستگاههای تمدن جهان بوده است. بسیاری از باورها و آیینهای جهان از اینجا برخاسته اند. نخستین کشفیات آدمی در اینجا بوده است. نخستین قانونهای جهان در اینجا نوشته شده است. و... خاورمیانه از میانه قرن بیستم، مرکز توجه جهانی و شاید حساسترین منطقه جهان از نظر استراتژیکی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است. این منطقه دارای بزرگترین منابع نفت و مکان کشمکشهای دراز مدت اعراب و اسرائیل است. خاورمیانه زادگاه ادیان میمی چون زردشتی، دین بهایی، یهودیت، مسیحیت و اسلام است.



خاور میانه در

بلندی های جولان

جولان در دورترین قسمت جنوب غربی سوریه واقع شده است که استان قنیطره را در بر گرفته است و ناحیه جغرافیایی ممتازی را در شکل داده و مهمترین قسمت آن بلندی های جولان می باشد که در سال «۱۹۶۷» توسط اسرائیل اشغال شده است. مساحت جولان بالغ بر «۱۸۶۰» کیلومتر مربع می باشد و این منطقه در عرض جغرافیایی ۳۲ و ۳۳ شمالی واقع شده است و پلی است از سوریه به کشورهای فلسطین، اردن و لبنان.

این قسمت که شامل ۱۲۵۰ کیلومتر مربع می باشد و قسمت تپه ای جولان می باشد و بیش از ۶۷ درصد کل جولان را شامل می شود.

تا قبل از سال «۱۹۶۷» جولان بیش از «۱۰۰» هزار نفر در این منطقه سکنی گزیده بودند که از نژاد بلوردا (Druzes) و چرکس بودند و دین رسمی جولان اسلام بوده است که مذاهب بلوردا، اهل سنت، و علوی را شامل می شده است.

بیشتر افراد این ناحیه در نیروی نظامی سوریه که در مرز مستقر بوده اشتغال داشته اند و در جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل در سال «۱۹۶۷» بیشتر ساکنین این ناحیه به داخل سوریه پناه آوردند و تنها چند هزار تن از بلوردها در این منطقه باقی مانده اند.

امروزه جمعیت جولان حدود «۳۳۵۰۰» نفر می باشد که شامل حدود «۱۵۰۰۰» بلوردا و «۱۷۰۰۰» اسرائیلی و «۱۵۰۰» نفر علوی می باشد.

با توجه به ویژه گی های انحصار به فرد این ناحیه اسرائیل چند سالی است تلاش می کند با تبلیغات زیاد توجه گردشگران را به این منطقه جذب نماید.

نوار غزه

در انگلیسی (Gaza Strip)، در عربی: قطاع غزة و در عبری: (رتزوعات عزه) ناحیه است نوارگونه که در کنار دریای مدیترانه و در منطقه خاورمیانه قرار دارد. نوار غزه از جنوب غربی با مصر و از شمال و شرق با اسرائیل همسرحد است. منطقه نوار

غزه ۴۱ کیلومتر طول و در بخش هایی از ۶ تا ۱۲ کیلومتر عرض دارد. مساحت کلی نوار غزه، ۳۶۰ کیلومتر مربع است. نوار غزه نامش را از شهر غزه که بزرگترین شهر در منطقه نوار غزه است، میگیرد. مردمی که در منطقه نوار غزه زندگی میکنند تماماً فلسطینی هستند.

پس از شکست نیروهای امپراطوری عثمانی از بریتانیا در طول جنگ جهانی اول، دولت وقت بریتانیا در ۲۵ اپریل «۱۹۲۰» میلادی کنترل نوار غزه را به همراه دیگر سرزمینهای فلسطین برعهده گرفت و با تشکیل یک سیستم حکومتی تحت عنوان قیومیت بریتانیا بر فلسطین به کنترل نوار غزه و دیگر سرزمینهای فلسطین پرداخت. پس از جنگ استقلال اسرائیل در سال «۱۹۴۸» میلادی و تاسیس کشور اسرائیل در بخشی از سرزمینهای تحت قیومیت بریتانیا و تصرف نوار غزه توسط ارتش اردن، پیمان صلح مؤقت «۱۹۴۹» میان کشور تازه تاسیس اسرائیل و مصر، اردن، سوریه و لبنان به امضا رسید که بنابر مفاد آن مرزهای اسرائیل و فلسطین مشخص شده و نوار غزه تحت کنترل کشور اردن قرار داشت. این عهدنامه تا آغاز جنگ شش روزه در سال «۱۹۶۷» و شکست اعراب، تحت اشغال نظامی نیروهای دفاعی اسرائیل درآمد.

هم اکنون کنترل نوار غزه در دست نیروهای گروه شبه نظامی حماس است.

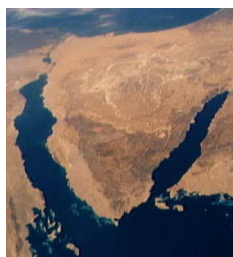


نوار غزه

شبه جزیره سینا

شبه جزیره‌ای سه گوش است که میان دریای مدیترانه (از سوی شمال) و دریای سرخ (از سوی جنوب) قرار گرفته. شبه جزیره سینا بخشی از کشور مصر است.

مساحت آن در حدود ۶۰ هزار کیلومتر مربع است.



شبه جزیره سینا

کرانه باختری

کرانه باختری (در انگلیسی: **West Bank**، در عربی: الضفة الغربية و در عبری: تelfظ: یهودا و شومرون) ناحیه‌ای است در کرانه غربی رود اردن در منطقه خاورمیانه موقعیت دارد.

پس از شکست نیروهای امپراطوری عثمانی از بریتانیا در طول جنگ جهانی اول، دولت وقت بریتانیا در ۲۵ اپریل «۱۹۲۰» میلادی کنترل کرانه باختری را به همراه دیگر سرزمین‌های فلسطین برعهده گرفت و با تشکیل یک سیستم حکومتی تحت عنوان قیومیت بریتانیا بر فلسطین به کنترل کرانه باختری و دیگر سرزمین‌های فلسطین پرداخت. پس از جنگ استقلال اسرائیل در سال «۱۹۴۸» میلادی و تاسیس کشور اسرائیل در بخشی از سرزمین‌های تحت قیومیت بریتانیا و تصرف نوار غزه توسط ارتش اردن، پیمان صلح مؤقت «۱۹۴۹» میان کشور تازه تاسیس اسرائیل و مصر، اردن، سوریه و لبنان به امضا رسید که بنابر مفاد آن مرزهای اسرائیل و فلسطین مشخص شده و کرانه باختری تحت کنترل کشور اردن قرار داشت. این عهدنامه تا آغاز جنگ شش روزه در سال «۱۹۶۷» و شکست اعراب، تحت اشغال نظامی نیروهای دفاعی اسرائیل درآمد.

گفتنی است که هم اکنون بالغ بر «۲۲۰» هزار اسرائیلی در شهرک هایی در کرانه باختری زندگی می کنند که بر اساس قوانین بین المللی عموماً غیرقانونی محسوب می شوند.



کرانه باختری

بحران با خارج شدن نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد از صحرای سینا در ۱۹ می «۱۹۶۷» آغاز شد. پس از خارج شدن این نیروها در صحرای سینا، دولت مصر به رهبری جمال عبدالناصر ارتش این کشور در صحرا مستقر گردید و نیروها و جنگ افزارها بر مرز اسرائیل متمرکز شدند. در ۲۲ می «۱۹۶۷»، مصر با بستن تنگه تیران که در دریای سرخ قرار دارد، این راه آبی را بر کشتیهای اسرائیلی بست و بندر تازه بنیاد آنزمان بندر (ایلات) که در جنوبی ترین بخش اسرائیل قرار دارد - را عملاً به حالت تعطیل درآورد.

همزمان سوریه و اردن و عراق هم نیروهایشان را به طور مشترک در بلندی های جولان و کرانه باختری رود اردن برای حمله غافلگیرانه جمع کردند. در همین حال اسرائیل با توجه به مساحت کم و اندازه نسبتاً کوچکش استراتژی مبنای جنگ در خاک دشمن به جای جنگ در خاک خود شکل گرفت.

در همین حال رادیو مصر که به زبان عربی برنامه هایی مهیج و ضد اسرائیلی پخش میکرد، هرروزه از فلسطینیان میخواست که از اسرائیل خارج شوند تا «در مسیر راه بلدوزرهایی که اسرائیلی ها را قرار بود به دریا بریزد قرار نگیرند»

آغاز جنگ

اسرائیل که حمله همزمان ارتشهای مصر، عراق، سوریه و اردن را در چند قدمی خود میدید، پیش دستی نموده و به تاریخ ۵ جون «۱۹۶۷» به نیروهای ارتش مصر در صحرای سینا حمله کرد. اما با افروخته شدن آتش جنگ، بعد از ۲ روز سوریه هم وارد جنگ شد و از بلندیهای جولان شروع به پرتاب موشکهای کاتیوشا و آتش توپخانه شدید به دشت هولاد در اسرائیل کرد.

اما از آنسوی اسرائیل با دریافت اطلاعاتی حیاتی به وسیله عوامل اطلاعاتی خود در مصر پی برد که ارتش مصر بیش از چهارصد هواپیمای جنگنده خود را در نقطه ای جمع کرده است تا صبح روز بعد صفوف ارتش اسرائیل را شدیداً در هم بکوبد. جنرالهای اسرائیلی که کار کشور تازه تاسیس خود را با بلند شدن هواپیماهای مصری تقریباً تمام شده میدیدند تصمیم به زدن شبانه تمام جنگنده های مصری قبل از بلند شدن یکباره آنها بر روی اسرائیل کردند و نیروی هوایی ارتش اسرائیل با فرستادن تمام «۲۰۰» هواپیمای جنگنده فعال خود ، بیش از «۳۰۰» هواپیمای مصری را بر روی زمین از بین برد.

با این حمله برتری هوایی نیروهای دفاعی اسرائیل در بقیه مدت زمان درگیری تامین گردید و ارتش مصر نهایتاً با عقب نشینی از خاک خود (صحرای سینا) تا آنسوی کانال سوئز عقب رانده شد. در همین حال ارتش اسرائیل با تغییر میدان جنگی به سوی بلندیهای جولان که مقر نیروهای اردنی و سوری بود توانست آنها را شکست دهد بلندیهای جولان و کشتزارهای شبع را به اشغال خود درآورد.

پایان جنگ

در تاریخ ۱۰ جون «۱۹۶۷» اسرائیل آخرین حملات را به بلندی‌های جولان را تکمیل نموده بود. قرارداد آتش‌بسی در روز بعد از آن یعنی ۱۱ جون به امضاء رسید. به این ترتیب اسرائیل نوار غزه، صحرای سینا، کناره باختری رود اردن (شامل اورشلیم شرقی) و بلندی‌های جولان را تصرف کرد. در کل با پیروزیهای بدست آمده و سرزمینهای اشغالی مساحت اسرائیل ۳ برابر شد و در حدود یک میلیون عرب که در مناطق اشغال شده زندگی می‌کردند به زیر کنترل مستقیم اسرائیل درآمدند.

اسرائیل بعد از پایان قرارداد آتش‌بس به کسانی که اسرائیل را ترک و به کشورهای عربی همسایه جهت تسریع حمله اعراب شده بودند اجازه بازگشت نداد و به این ترتیب موجی از مهاجران فلسطینی در کشورهای مصر، سوریه، اردن و لبنان پدید آمد. اما از آنجا که هیچ یک از کشورهای میزبان علاقه ای به پذیرایی از مهمانان زمانی خوانده ولی اکنون ناخوانده خود نداشتند با تشکیل اردوگاه‌های پناهنده‌گی در بیابانهای خود به دور از تمام امکانات اولیه زندگی را برایشان رقم زدند.

سکه یادبود «آزاد سازی اورشلیم» که پس از اشغال آن توسط اسرائیل ضرب شد. در نهایت خصومت میان مصر و اسرائیل با امضای پیمان نامی صلح میان این دو کشور در ۲۶ مارچ «۱۹۷۹» پایان یافت. خصومت میان اردن و اسرائیل هم با امضای پیمان نامی صلح میان این دو کشور در ۲۶ اکتبر «۱۹۹۴» رسماً پایان پذیرفت.

پیمان نامه‌ها و قطعنامه‌ها

در تاریخ ۱۷ سپتامبر «۱۹۷۸» پیمان صلح کمپ دیوید میان کشورهای اسرائیل و مصر و با میانجگری ایالات متحده امریکا به امضا رسید.

سال «۱۹۷۴» میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اکثریت آرا، مصوبه را به تصویب رساند که در آن صهیونیسم به عنوان شکلی از اشکال نژادپرستی معرفی شده بود. این مصوبه در پی شرط گذاری اسرائیل به حذف آن، برای شرکت در کنفرانس صلح مادرید در سال «۱۹۹۱»، توسط سازمان ملل ملغی اعلام گردید.

سال «۲۰۰۴» میلادی در پی به قتل رسیدن شیخ احمد یاسین توسط اسرائیل طرح تصویب قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل متحد بر علیه اسرائیل مطرح شد. ۱۱ عضو شورای امنیت به این قطعنامه رای مثبت و ۳ کشور (بریتانیا، آلمان و رومانی) رای ممتنع دادند. قابل ذکر است این قطعنامه با رای منفی امریکا و تو شد.

سال «۲۰۰۶» میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه اسرائیل را به دلیل به قتل رساندن ۱۹ شهروند فلسطینی در بیت حانون محکوم کرد. این قطعنامه همچنین خواستار توقف حملات اسرائیل به نوار غزه و عقب نشینی نیروهای این کشور از مناطق تحت اداره فلسطینیان شد. ۱۵۶ کشور جهان به این قطعنامه رای مثبت و ۷ کشور رای منفی دادند. ۷ عضو دیگر سازمان ملل نیز به این قطعنامه رای ممتنع دادند.

متن توافقنامه کمپ دیوید

توافقنامه کمپ دیوید، ۳ موضوع عمده را در بر می‌گرفت؛

۱- صلح مصر با اسرائیل.

۲- تخلیه صحرای سینا و استرداد آن از سوی اسرائیل به مصر که در طی جنگ شش روزه توسط اسرائیل به غنیمت گرفته شده بود.

۳- آغاز مذاکره جهت خودمختاری کشور فلسطینی، در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه که به دنبال این قرارداد دو کشور اقدام به تبادل سفیر و آغاز عادی سازی روابط دیپلماتیک فی‌مابین کردند.

جنگهای اعراب و اسرائیل

جنگ ۱۹۴۸ جنگ کانال سوئز

جنگ شش روزه (۱۹۶۷ میلادی ۱۳۴۶-هجری شمسی)

جنگ اصطکاک

جنگ یوم کیپور

جنگ لبنان (۱۹۸۲ میلادی)

جنگ اسرائیل و حزب الله لبنان (۲۰۰۶ میلادی ۱۳۸۵-هجری شمسی)

جنگ ۱۹۴۸ (جنگ استقلال)

در سال «۱۹۴۸» قیومیت بریتانیا بر فلسطین در روز ۱۴م ماه می پایان یافت و در همان روز کشور اسرائیل رسماً اعلام موجودیت کرد. درست فردای آن روز، ارتشهای کشورهای عربی و گروه زیادی از چریکهای داوطلب عربی به سرحدات کشور اسرائیل از چند جبهه حمله بردند و جنگ استقلال اسرائیل از ماه می «۱۹۴۸» تا جون «۱۹۴۹» به طول انجامید که نهایتاً به شکست اعراب انجامید.

جنگ ۱۹۵۶ (کانال سوئز)

پس از روی کار آمدن جمال عبدالناصر و اعلام ملی شدن کانال سوئز و بستن آن توسط دولت مصر در سال «۱۹۵۶» میلادی، کشور اسرائیل که مدعی بود حق عبور بی ضرر آن به آبهای آزاد خدشه دار شده، برای باز گشایی کانال سوئز اقدام نمود و با همکاری انگلیس و فرانسه برای دست یابی مجدد به کانال سوئز یک طرح مشترک را به اجرا در آوردند.

مجمع عمومی سازمان ملل ضمن اینکه این تهاجم یه جانبه به مصر را محکوم کرد و خواهان آتش بس فوری شد، اما انگلیس و فرانسه آن را وتو کردند. این جنگ سرانجام با دخالت امریکا و شوروی در چارچوب توافق دو ابر قدرت خاتمه یافت و کانال سوئز پس از تخلیه اشغال گران ملی اعلام گردید.

جنگ ۱۹۶۷ (جنگ ۶ روزه)

در سال «۱۹۶۷» میلادی ارتش اسرائیل در پی تحریکات کشورهای عربی، طی ۶ روز صحرای سینا، کرانه باختری رود اردن، نوار غزه، ارتفاعات جولان و شهر

قنيطرة را به اشغال در آورد و تمام اورشلیم را مسلط گردید. در پایان اراضی تحت اداره اسرائیل به بیش از ۳ برابر افزایش پیدا کرد.

با این جنگ در حدود یک میلیون نفر دیگر از اعراب مناطق اشغالی آواره شدند و کشور اسرائیل با تسلط بر بلندی های جولان سوریه به ۵۵ کیلومتری دمشق نزدیک شد.

اسرائیل ، بلندی های جولان را در جنگ سال ۱۹۶۷ خاورمیانه اشغال و آن را ضمیمه خاک خود کرد.

قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت در پایان جنگ اسرائیل را ملزم به تخلیه سرزمین های اشغالی کرد، اما این قطعنامه تاکنون به مرحله اجرا درنیامد.

جنگ ۱۹۷۳ (اصطکاک)

کشورهای عربی پس از شکست های پیاپی و خدشه دار شدن غرور ملی آنها توسط ارتش اسرائیل، در یک تبانی مخفیانه تصمیم به جبران شکست های قبلی گرفتند و در یک عملیات غافلگیرانه در سال «۱۹۷۳» اقدام به حمله به استحکامات خط بارلو واقع در جنب کانال سوئز و ارتفاعات جولان حمله کرده و موفق شدند بخشهای قابل توجهی از مناطق «۱۹۶۷» را پس بگیرند.

اما اسرائیل پس از شوک حمله غافلگیرانه توانست نتیجه جنگ را در هفته سوم به نفع خود تغییر دهد و امریکا و شوروی در چارچوب توافق ها و بر اساس منافع خود به کشورهای عرب فشار آوردند تا آتش بس را بپذیرد؛ بر اساس قراردادهای منعقد شده این جنگ در نهایت آزاد سازی شهر قنيطرة و بخشی از سرزمین های جولان و بخشهای از صحرای سینا را بدنبال داشت.

جنگ اسرائیل و لبنان (۲۰۰۶)

جنگ اسرائیل و لبنان، در لبنان معروف به جنگ جولای و در اسرائیل معروف به جنگ دوم لبنان ، نام مجموعه درگیری هایی است که از تاریخ ۱۲ جولای سال «۲۰۰۶» بین ارتش اسرائیل و حزب الله لبنان به وقوع پیوست و دامنه آن شمال

اسرائیل و سراسر لبنان را دربرگرفت و با قطعنامه «۱۷۰۱» شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۱۴ اگست «۲۰۰۶» پایان یافت، به طوری که مرزی در این جنگ تغییر نکرد، و درباره پیروزی در این جنگ هم اختلاف نظرهایی بوجود آمد به طوری که یا هرکدام خود را پیروز می خوانند یا دیگری را شکست خورده معرفی می کنند.

منابع:

سایت اسراییل ویکلوپیدیا،

راه توده،

بی بی سی،

www.ayenda.org